باسمه تعالی

شناسنامه کتب خطی

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی

عنوان	ملل و نحل (ترجمه)		
مولف متن			
شارح			
محشی			
مترجم		شماره اموالی	41211
موضوع	تاریخ ادیان و عقاید	تاریخ تألیف	
		تاریخ تحریر	
کاتب		زبان	فارسی
نوع خط	نستعلیق	طول	18/5
		عرض	11
عدد اوراق		کاغذ	نخودی
تعداد سطر	15	جلد	فاقد جلد
تاریخ ارسال	دی ماه 1388	شماره خصوصی	
ملاحظات	ضمیمه دارد		

تنظیم کننده:

و ... حکمت بوده‌اند چون اغادیمون و هرمس و سنبلیقوس و جز ایشان بوده
که حق تعالی یکیست ازلی است تمام است و ناقص نیست و مسبب الاسباب و علة العلل او است
خیر محض است فاعل موجود حقیقی است شریک نیست مصور نیست موضوع نیست و او را
ضد نیست و کفو نیست و همه آدمی را واجب داشتندی یاد کردن ایزد تعالی بغایت تجلیل و تعظیم

پیغمبر را بدو بگروید و هنوز پیغمبر از مادر نیامده بود که وی در گذشت و دختر وی پیغمبر را دید و بدو
بگروید و امیة بن ابی الصلت الثقفی از بت پرستی بیزار شد و گفت پیغمبری بیرون خواهد
آمدن و وقت بیرون آمدن آن نزدیک است و چنان پنداشت که آن پیغمبر او خواهد بود
چون رسول بیرون آمد و اثر نبوت او ظاهر گشت از آن حسد او را نگرفت و بدو نگروید و بمرد
شعرهای او بیشتر پیغمبر میخواندند پیغمبر صلعم میفرمودند که فقد رجل امیة لسانه و کفر قلبه و عمرو بن
نفیل و عامر بن ظرب العدوانی الحکیم و عمرو بن یزید الکلبی هر سه در آرزو بودند که
مدت عمر ایشان دراز بکشد تا پیغمبر را دریابندی و بدو ایمان آوردندی لکن هر سه بمردند
و بعضی از عرب کاهنان چنانکه سطیح و شق و اخبار ایشان معروف است و بعضی جهود
جهود بودند چنانکه اهل خیبر و بعضی ترسا بودند چنانکه بنی غسان و بنی تغلب و بعضی مغان بودند
چنانکه بنی تمیم و بنی عبس و چون باز یاد کرد مذهب عرب فارغ شدیم دیگران شرح دهیم تا معلوم شود

مذهب فلاسفه ارسطاطالیس از استاد خود افلاطون چنانکه روایت کرده که او شاگرد
سقراط بود و سقراط چنین گفت که مذهب افلاطون و متقدمان فلاسفه که حکیمان روزگار بودند
و ستونهای حکمت بودند چون اغاثاذیمون و هرمس و سنبلیقوس و جز ایشان چنان بود
که حق تعالی یکیست ازلی است تمام است و ناقص نیست و مسبب الاسباب و علة العلل او است
خیر محض است فاعل موجود حقیقی است مرکب نیست مصور نیست موضوع نیست و او را
ضد و ند و کفو نیست و همه آدمی واجب دانستندی یاد کرد ایزد تعالی بغایت تبجیل و تعظیم

اهل تحقیق از حکماء گویند افعال الهی دو قسمت ملک و ملکوت ملک عالم محسوسات و ملکوت عالم معقولات
است و عالم محسوسات را عالم شهادت و عالم اجسام و عالم خلق و عالم سفل گویند و عالم معقولات را
عالم غیب و ارواح و علوی و امر و موجودات ملکی و ملکوتی دو قسم اند قسمی که بعالم اجسام بوجهی تعلق و تصرف
و تدبیر ندارند که کروبیان اند و کروبی دو قسم اند قسمی که از عالم و عالمیان اصلا خبر ندارند که ملائکه
مهیمه اند و قسم دوم حجاب بارگاه الوهیت اند و مهبط فیض ربوبیت که باصطلاح حکماء اهل جبروت گویند
و روح القدس در صف اخر این طایفه و در طاء اعلی روحی از این عظیم تر نیست و بیک اعتبار قلم و بیک
اعتبار عقل اول گویند و همین عقل را ادبار و اقبال کرد و این عقل در صف اعلی این طایفه و روح القدس جبرئیل
در صف اخر این طایفه است و قسم دوم ملکوتی اند که تصرف و تدبیر دارند که روحانیان اند بر دو قسم
قسمی متصرف در سماوات که اهل ملکوت اعلی اند و قسمی متصرف در عالم سفلی اند که اهل ملکوت اسفل اند و هزار
و هزار ها از اطاهر معادن و حیوانات و نباتات موکل اند بر هر قطره ملکی موکل گویند تا هفت ملک نبارند
خدای تعالی برگ درختی نیافرینند و زبده ملکوت اسفل هر کس است از دو عالم جسمانی و روحانی
و او کل موجودات است و مقصود همه افرینش اوست و ارواح ناری که جن و شیاطین اند منقسم اند
همه بامه اول ملکوت اسفل که بعضی اهل تکلیف و مخاطب و حرام اند و در مفهوم و ماهیات
خلاف بسیار دارند و عالم اجسام دو قسمت سماویات از عرشی و کرسی و ثوابت و سیار و کواکب و غیر
و ارضیات از بسایط عنصریات و انچه علوی از رعد و برق و ابر و باران و مرکبات از معادن و نباتات
و حیوانات بی نهایت بحر و بر و اول مخلوق جوهر عالم کبیر که بی ماده و بی واسطه به خودی خود افرید

بود که انرا روح اعظم و روح محمدی ص گفته اند که عظم او بحد اندازه نیاید و لطیف است
و دانا و مقرب و حاضر و مشتاق دائمی خدای تعالی و مرکز طریقة العلیا از حضرت غایب نیست
و او بی واسطه از مبدء قبول فیض میکند و کسی جوهر اول تقرب ندارد و خطاب و کلام حق
با او است و خطاب او بهمه موجودات و خطاب باین جوهر امد که مفردات عالم از عقول و نفوس و افلاک
و انجم و عناصر و طبایع بنویس بهجت نوشتن خطاب امر که مرکبات بنویس از معادن و حیوانات
و نباتات و بطول مبدء و انکار معاد مختص بود **اهل نجوم** بقدم عالم قائلند مگر
طبیعی و قسمت تعلق بر بروج دانند با چهار طبایع بروج بر و شکر حیوان پدید نیاید ابتداء تحمل کنند
تحمل کنند که دوازده هزار سال که قسم اول حمل بود و ماحصل نور شمس چه حمل برج اتشی و بیک عنصر
حیوان شود ده هزار سال قسم ثور بود و ثور ارضی ما حصل نباتات چه یکی گرم و خشک و
دیگر سرد و خشک و هشت هزار سال قسم جوزا گرم و تر بود از این طبع سرد و خشک گرم
و خشک گرم و تر نباتات پدید امد و بدور سرطان سرد و تر که چهار طبع تمام شود حیوان
پدید اید و قسم سرطان نزد کواکب سبعه دور هفت هزار سال بود هزار سال اول
زحل با دیگر کواکب یکجا میخیس تا تمام شود دوره بقمر رسد هزار سال با دیگر کواکب یکجا و تمامی
این دوران تمام منطبق و عالم خراب شود و زمین با بسی فرو رود و بدور اسد و سنبله
و میزان حیوانی نباشد و بدور عقرب حیوان پدید اید و در قسم بروج انجم حیوان

عن عطاء [illegible] تحبب

الدنيا [illegible] وان تعفو اهله [illegible]

الناس ان [illegible] ملك يا صاحب [illegible] الاخلاص [illegible] اعطاه من فان

وكان [illegible] عليه [illegible] واذا وصل [illegible] واذا غضب [illegible] عنده [illegible] رضي

السؤال [illegible] العوز [illegible] النفس [illegible] الاخرة [illegible] فان الله

لهم السؤال المخلوق فضل [illegible] من الله [illegible] عنده [illegible] العالم [illegible] تعالى

واذا اعطى [illegible] اصابه [illegible] وانما اعطاه [illegible] الكتاب في معاني الاخبار و الخصال و امالي الصدوق عن ابي حازم عن سهل بن سعد قال جاء جبرئيل الى النبي فقال يا محمد عش ما شئت فانك ميت واحبب من شئت فانك مفارقه فاعمل ما شئت فانك مجزي به واعلم ان شرف المؤمن قيامه بالليل وعزه استغناؤه عن الناس في مجلد السابع عشر من البحار

كتاب ارشاد القلوب الديلمي روي عن امير المؤمنين ع ان النبي ص سئل عن ربه [illegible] ليلة المعراج فقال يا رب اي الاعمال افضل فقال الله عز وجل ليس شيء عندي افضل من التوكل علي والرضا بما قسمت يا محمد وجبت محبتي للمتحابين في ووجبت محبتي للمتعاطفين في ووجبت محبتي للمتوكلين علي وليس لمحبتي علم ولا غاية ولا نهاية [illegible] الذين نظروا الى المخلوقين بنظري اليهم ولم يرفعوا الحوائج الى المخلوق [illegible] من اكل الحلال [illegible] الدنيا [illegible] ورضائي عنهم [illegible] من المجلد السابع عشر من البحار

[illegible]